

دوتا ۳۸۴	عهدجدید / ۴۰
	مکاشفه ۸-۱۱
S = معلم ۲ (تدریس توسط معلم ۲)	

(S) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. امروز مکاشفه فصل ۸-۱۱ را معرفی می‌کنیم. بخش سوم کتاب مکاشفه شامل فصول ۸-۱۱ است.

**مکاشفه فصول ۸ و ۹ تعلیم می‌دهند که "خدا مرتباً از طریق هفت شیپور داوری به مردم بی‌خدا و شرور هشدار می‌دهد".** با آنکه داوری نهایی برای روز آخر تاریخ بشر محفوظ نگاه داشته شده، لیکن حتی در زمان حاضر هم متعاقب مهرهای جفا، شیپورهای داوری به صدا در می‌آیند. شیپورها به مردم هشدار می‌دهند. "هفت شیپور" سمبل داوریهایی است که خدا در مورد بدکاران روی زمین در سراسر دوران از زمان آمدن اولیه تا بازگشت عیسی مسیح به عنوان هشدار جاری می‌کند. هدف از اینها مجازات بدکاران به دلیل رد کردن انجیل و آزار و اذیت مسیحیان، و نیز دعوت از آنها به توبه است. آنها به رخداد خاصی در تاریخ اشاره ندارند، بلکه فجایعی هستند که بارها و بارها در طول این دوران اتفاق می‌افتند. از این رو، بخش سوم کتاب مکاشفه، یعنی دوره هفت شیپور، با بخش دو، یعنی دوره هفت مهر، موازی است. مکاشفه داوری خدا چنان هر اسنانک است که همه در آسمان سکوت می‌کنند (۸: ۱-۲).

داوری خدا در پاسخ به دعای مسیحیانی اعمال می‌شود که بر روی زمین متحمل جفاها و امتحانات می‌شوند. دعاهای ناقص آنان با "بُخور" ترکیب می‌شود که نمادی است از شفاعت بی‌نقص مسیح برای مسیحیان (۸: ۳-۵).

شیپورهای داوری تمام نقاط جهان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بطوریکه برای بدکاران هیچ جای امنی باقی نمی‌ماند. چهار شیپور اول از طریق بلایای طبیعی بر بدکاران نازل می‌شوند و وجود جسمانی آنان را متاثر می‌کنند، حال آنکه سه شیپور آخر بر وجود روحانی‌شان اثر می‌گذارند.

"شیپور اول" (۸: ۷) مردم شرور را بروی خشکی مورد اصابت قرار می‌دهد.

"شیپور دوم" (۸: ۸-۹) در دریا به آنها اصابت می‌کند.

"شیپور سوم" (۸: ۱۰-۱۱) در آبهای زمین به آنها ضربه می‌زند.

"شیپور چهارم" (۸: ۱۲) آسمانهایی را که آنها زیرش زندگی می‌کنند مورد اصابت قرار می‌دهد. مردم شرور از بالا ضربه می‌خورند که سمبلی است از اینکه عیسی مسیح از این بلایا به عنوان ابزارهایی برای مجازات و هشدار بهره می‌گیرد. هر بلا یک سوم زمین را نابود می‌کند. عدد یک سوم نمادی است از این واقعیت که خدا همه بلایای روی زمین را محدود کرده و تحت کنترل دارد. توصیف ارائه شده برای این بلایا یادآور مصایبی است که در مصر رخ داد و بیانگر ماهیت مخرب و نابودکننده آنها است (۸: ۶-۱۲). «عقاب» پرنده شکاری است که بر شریر دلالت دارد (متی ۲۴: ۲۸). او با «وای» سه‌گانه به ساکنان زمین تذکر می‌دهد که سه شیپور باقیمانده داوری بدتر خواهند بود (۸: ۱۳).

"شیپور پنجم" (۹: ۱-۱۲، وای اول) کار شرورانه و ویرانگر شیطان و روحهای شریرش، در قلوب مردم بدکار را نشان می‌دهد. «ستاره‌ای» که از آسمان سقوط می‌کند (لوقا ۱۰: ۱۸) نمادی است که معرف وضعیت کنونی شیطان می‌باشد. او بعد از آنکه بر ضد خدا طغیان کرد، تقدس، موقعیت خود در آسمان و شکوهش را از دست داد. با فرمان خدا «کلید چاه بی‌انتها» به او داده شد، یعنی قدرت یافت در چاه را گشوده و روحهای شریر را بیرون آورد. در کتاب مکاشفه «چاه» نمادی است از جهنم قبل از روز داوری نهایی (۲۰: ۱-۳۱؛ لوقا ۸: ۳۱). پس از روز داوری نهایی جهنم «دریاچه آتش» نامیده می‌شود (۲۰: ۱۴ و ۱۵؛ ۲۱: ۸). شیطان پر کردن جهان با دیوها و تاثیرات شرورانه آنها را ادامه می‌دهد. «دود» سمبل مکاری و تاریکی آنهاست، درحالیکه «ملخها» نماد دهشتناک بودن و تخریب دردناکشان می‌باشد. پادشاهشان «فرشته چاه هاویه» است، که در یونانی و عبری «ویرانگر» نامیده می‌شود. عدد «پنج ماه» نماد این حقیقت است که خدا حاکمانه زمان رنج کشیدن آنها را محدود کرده است (۵ از ۶ کوچکتر است، عدد انسان، اول قرننثیان ۱۰: ۱۳). شیطان و ارواح پلیدش مردمان بدکار را کاملاً از نور محروم می‌کنند (دوم قرننثیان ۴: ۴)، که سمبلی است از همه ویژگیهای مکشوف شده خدا، از قبیل عدالت، قدوسیت، شادی و آرامش، حکمت و معرفت. این «وای» اول را پایان می‌دهد (۹: ۱۲).

"شیپور ششم" (۹: ۱۳ تا ۱۱: ۱۴، وای دوم) کار مخرب و شرورانه جنگها را شرح می‌دهد. این جنگ بخصوصی را توصیف نمی‌کند، بلکه معرف همه جنگهایی است که بین آمدن اولیه و ثانویه مسیح رخ می‌دهند، و بویژه اشاره دارد به هولناکترین جنگها که در زمانهای نزدیک به پایان تاریخ جهان برپا می‌شوند (۱۱: ۷-۱۴). رویای مهر چهارم به «جنگ» به عنوان یکی از آزمایشاتی اشاره دارد که مسیحیان همراه با سایر مردم جهان متحمل می‌شوند، درحالیکه شیپور ششم «جنگ» را به عنوان مجازات و هشدار برای غیرایمانداران توصیف می‌کند. «چهار فرشته» نمایانگر فرشتگان شروری هستند که از تفکر غرق کردن انسان در جنگهای مخرب لذت می‌برند. «رود فرات» سمبلی است از امپراتوری بزرگ آشور و بابل در جهان (اشعیا ۸: ۷)، که در جای خود نماد جهان شرور می‌باشد (اشعیا ۱۷: ۱۲). خداوند حاکمانه ساعت، روز و ماه هر جنگی را تعیین می‌کند. در زمانهای نزدیک به انتهای تاریخ جهان تعداد افراد درگیر در این جنگها عظیم است، دویست میلیون. اسبها، اسبهای معمولی نیستند، بلکه نمادهایی هستند که ماشینهایی جنگی وحشتناکی را توصیف می‌کنند. علیرغم آنکه انسانهای زیادی از بین می‌روند، لیکن باقیمانده نسل بشر از توبه امتناع می‌کنند. آنها به تخطی از هر دو لوح اول و دوم فرامین خدا ادامه می‌دهند (۲۰: ۲۱). افراد شرور روی زمین حتی با بلایای آشکار تنبیه می‌شوند (۱۰: ۳-۷). در هر حال، در حین اجرای داوری خدا، انجیل موعظه شده و با آن مخالفت نیز می‌شود. پس جهان جفاکار، جهان توبه‌ناپذیر می‌شود. توبه‌ناپذیری بشر نهایتاً سبب می‌شود خدا «هفت جام خشم» را فرو ریزد، که در روز داوری نهایی به او ج خود می‌رسد.

"شیپور هفتم" (۱۰: ۷ و ۱۱: ۱۵-۱۳، وای سوم) روز دآوری نهایی را معرفی می‌کند، به انجام رسیدن تصمیمات ابدی خدا و ملکوت خدا در مرحله نهایی و ابدی آن.

### "مکاشفه فصول ۱۰ و ۱۱" تعلیم می‌دهد که "خدا کلیساهای مسیحی جفاده روی زمین را تسلی می‌دهد".

**اول.** "تصویر سمبولیک در مکاشفه ۱۰: ۱-۱۱ مربوط است به فرشته بزرگ و طومار کوچک". یوحنا در رویایی فرشته‌ای عظیم را می‌بیند، که از لحاظ ظاهری شبیه مسیح در فصل ۱ است و بنابراین ارتباط نزدیکی با مسیح دارد. فریادی همانند نعره شیر دارد، زیرا پیامش به همه عالم مربوط می‌شود و همه مردم باید آنرا بشنوند.

در پاسخ به فریاد او، هفت رعد به صدا در می‌آیند. "هفت رعد" نمادی است از صدای خدا هنگامی که هفت مکاشفه برتر را انجام می‌دهد (مزمور ۲۹: ۳-۹). به یوحنا فرمان داده می‌شود که این مکاشفه‌ها را ننویسد، بلکه آنها را مهر کند. معنای آن این است که در کنار هفت چراغدان، هفت مهر، هفت شیپور و هفت جام، اصول دیگری نیز وجود دارند که در عالم عمل می‌کنند، و نیروهای دیگری که در تاریخ جهان کار می‌کنند که خدا هرگز بر ما مکتشف نکرده است (دانیال ۲۹: ۲۹). ما قادر نیستیم همه نیروهای و عواملی را که حال و آینده را تعیین می‌کنند بشناسیم و توصیف کنیم. بنابراین، مسیحیان نباید تصور کنند که می‌توانند در مورد آینده پیشگویی‌های دقیقی انجام دهند، زیرا ممکن است عامل مهمی را نادیده بگیرند و حقیقت را اشتباه نشان دهند.

فرشته به خدا قسم می‌خورد که دیگر تأخیری در کار نخواهد بود. روز دآوری نهایی نزدیک است. وقتی شیپور هفتم نواخته شود، سرّ خدا محقق خواهد شد. سرّ خدا به حکم خدا در مورد نجات و دآوری در تاریخ جهان مربوط است که کاملاً ناشناخته نیست، اما اگر خدا آنرا آشکار نمی‌کرد، ناشناخته می‌ماند. نقشه خدا برای نجات و دآوری تاریخ جهان را تعیین می‌کند و در روز دآوری نهایی به اوج خود می‌رسد. سپس قوم خدا از هر دو دوران عهد عتیق و عهد جدید میراث نهایی خود را آنچنان که خدا به خادمین خود در عهد عتیق و عهد جدید وعده داد، دریافت می‌کنند.

در این مرحله، ما انتظار شیپور هفتم و توصیف روز دآوری نهایی را داریم. با اینحال همانطور که مهر هفتم بلافاصله پس از مهر ششم نمی‌آید، بلکه ابتدا حفاظت از مبارزین کلیسا شرح داده می‌شود، شیپور هفتم نیز بلافاصله به دنبال شیپور ششم نیامده، و ابتدا رنجهای قدرت، هدف و پیروزی نهایی کلیسا توصیف می‌شود تا به این ترتیب زمانی که دآوری‌ها در مورد مردم شرور روی زمین اجرا می‌شود، مسیحیان تسلی یابند. مردم بدکار از توجه به شیپورهای هشدار دهنده خدا قاصر می‌مانند (۹: ۲۰-۲۱)، شهادت روشن و صریح دو شاهد او را رد می‌کنند (۱۱: ۷-۱۱) و مطلقاً از توبه امتناع می‌کنند (۱۶: ۹ و ۱۱). این واقعیات نشان می‌دهند که دآوری خدا و فروریختن خشم او کاملاً عادلانه است. با این وجود این شفاعت‌ها، شفاعتهایی با ترتیب زمانی یا فواصلی زمانی بین مهر ششم و هفتم یا شیپورها نیستند، بلکه در واقع توصیف دوره حاضر بین آمدن اولیه و ثانویه مسیح از جنبه‌های مختلف می‌باشند.

فرشته طومار کوچکی در دست دارد و به یوحنا فرمان می‌دهد آن را ببلعد. «طومار کوچک» (حزقیال ۲: ۹ تا ۳: ۱۱) یک نماد است و نمایانگر کلام خدا، انجیل است که در آن سرّ نجات و دآوری خدا مکتشف می‌شود (رومیان ۱۶: ۲۵-۲۶؛ افسسیان ۳: ۲-۶؛ کولسیان ۲: ۲-۳) و یوحنا باید درباره آن نبوت کند (۱۰: ۱۱؛ فصل ۱۷). انجیل به خودی‌خود برای کسانی که آنرا بپذیرند شیرین است، اما اعلان آن همیشه همراه است با اذیت و آزار تلخ مسیحیان. یوحنا رسول نباید تنها به فهم و درک پیام انجیل بسنده کند، بلکه می‌بایست شیرینی نجات آن و تلخی رنجهای آن نیز تجربه نماید (لوقا ۹: ۲۳). خود یوحنا در اثر تبعید خود به پطروس مرارت را تجربه کرد (۱: ۹) و مسیحیانی که به آنها اشاره می‌کند رنجهای شدیدی را متحمل شدند (۱۰: ۸-۱۰).

### **دوم.** "تصویر سمبولیک در مکاشفه ۱۱: ۱-۲ در مورد انداز مگیری معبد است".

در رویا یا تصویر، یوحنا اورشلیم زمینی را همراه با معبد زمینی آن می‌بیند. او قدس داخلی، مذبح بخور و آنانی را که در آن پرستش می‌کنند انداز مگیری می‌کند، لیکن از حیاط بیرونی صرف نظر می‌نماید. تصویر مربوط است به پرستش‌کنندگانی که با احترام در دعا سر خود را فرود آورده‌اند، در حالیکه بر روی مذبح بخور، بخور تقدیم می‌شود.

بنابراین، «معبد خدا» سمبلی است از تمامی مسیحیان حقیقی که در روح و راستی خدا را پرستش می‌کنند (اول قرنیتیان ۳: ۱۶-۱۷؛ دوم قرنیتیان ۶: ۱۶-۱۷؛ افسسیان ۲: ۱۹-۲۲).

تنها آنها شمرده می‌شوند، که نمادی است از اینکه آنها از هر چیز کفرآمیزی بدور هستند و بنابراین از هر گزند در امان و محفوظ می‌باشند (۲۱: ۱۵؛ حزقیال ۴۰: ۵؛ ۴۲: ۲۰؛ ۲۲: ۲۶؛ زکریا ۲: ۱-۵). هنگامی که دآوری خدا بر جهان شرور و جفاکار نازل می‌شود آنها از هر خطری محفوظند. آنان از نابودی به همراه جهان شرور در امان هستند، نه از مرارت شدید. در مکاشفه ۷ همه مسیحیان حقیقی «مهر شده» هستند که نشانی است از اینکه آنها به خدا تعلق دارند و توسط خدا محافظت می‌شوند. در مکاشفه ۱۱ نیز همه مسیحیان حقیقی «شمارش شده» می‌باشند که علامت آن است که برای خدا جدا شده‌اند و توسط خدا محافظت می‌شوند. در هر دو حالت، مبارزین کلیسایی عهد جدید با عبارات عهد عتیق به عنوان قبایل اسرائیل (غلاطیان ۶: ۱۶؛ یعقوب ۱: ۱) و معبد اسرائیل (دوم قرنیتیان ۶: ۱۶؛ افسسیان ۲: ۲۱-۲۲) توصیف می‌شوند.

«حیاط بیرونی» نماد مردمی است که ظاهراً به معبد تعلق دارند لیکن اخراج شده هستند (یوحنا ۹: ۳۴). آنها سمبلی هستند از اعضا بی‌وفای کلیسا یا مسیحیان ظاهری، که از شمارش و قرار گرفتن در زمره قوم واقعی خدا محروم می‌شوند.

اورشلیم زمینی تنها به این دلیل که زمانی مقدس بود، «شهر مقدس» خوانده می‌شود (متی ۲۷: ۵۳). در گذشته برای خدا جدا شده بود. اما اکنون مجازاً سدوم و مصر خوانده می‌شود، و در عین حال جایی است که خداوند مصلوب شد (۱۱: ۸). اورشلیم کنونی سمبل فساد اخلاقی سدوم و جفاکاری مصر شده است. اورشلیم زمینی سمبل ضدیت با مسیح و نماد همه شهرها و کشورهایی در جهان است که به خدای کتاب‌مقدس پشت کرده‌اند. از غیریهودیان، که نمادی از مردمان بی‌خدا و شرور روی

زمین هستند، پر می‌شود. آیه ۸ بوضوح به معنای مجازی یا نمادین اورشلیم اشاره می‌کند، پس معبد خدا، حیاط بیرونی، دو شاهد و وحش همگی معانی مجازی و سمبولیک دارند.

شهر مقدس و حیاط بیرونی معبد به مدت ۴۲ ماه توسط غیریهودیان پایمال می‌شوند. مردمان بی‌خدا و شرور در سراسر عالم به تمام موسسات و سازمانها، اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، قضایی، آموزشی، مذهبی و غیره، یورش برده و آنها را ضد مسیح می‌کنند. افراد بی‌خدا و شرور روی زمین در هر مملکتی به کلیسای مسیحیان ظاهری نیز هجوم می‌برند و آن را به تملک دنیا در آورده و ضد مسیح می‌سازند. مسیحیان ظاهری دنبوی از عقاید و راههای مردمان بی‌خدا و شرور جهان استقبال می‌کنند و با آنها همسو می‌شوند.

مسیحیان واقعی به مدت ۴۲ ماه در میان مردمان بی‌خدا و شرور جهان زندگی و کار خواهند کرد. عیسی تعلیم داد که اورشلیم از زمان حمله رومیان به اورشلیم در سال ۷۰ میلادی تا «آنگاه که دوران غیریهودیان تکمیل شود» لگد مال غیریهودیان خواهد شد (لوقا ۲۱: ۲۴). دوران غیریهودیان زمانی تکمیل می‌شود که تعداد تعیین شده‌ای از غیریهودیان که نجات می‌یابند وارد ملکوت خدا شوند (رومیان ۱۱: ۲۵). بنابراین، عدد ۴۲ ماه سمبل و نشانگر کل دوره از زمان آمدن اولیه تا ثانویه عیسی مسیح است.

**سوم.** "تصویر سمبولیک در مکاشفه ۱۱: ۳-۱۲ درباره دو شاهد است"

در مکاشفه ۱۱: ۱-۲، جنگجویان کلیسا با نماد معبد خداوند نشان داده می‌شوند، که جدا شده و تحت محافظت هستند. در مکاشفه ۱۱: ۳-۱۲، مبارزین کلیسا با سمبل دو شاهد ارائه می‌شوند که از طریق اعمال خود کار شهادت را انجام می‌دهند. بنابراین «دو شاهد» نمادی است که (لوقا ۱۰: ۱) کلیسا را در حین انجام کارش برای اعلام کلام خدا از طریق کارکنان وفادار خود از زمان آمدن نخستین تا بازگشت مسیح نشان می‌دهد. همانند اغلب سمبلهای کتاب مکاشفه، دو شاهد نیز با نمادهای عهد عتیق شخصیت‌پردازی شده‌اند. دو شاهد «پلاس پوش» توصیف می‌شوند، که نشانگر این است که آنها مردم را به توبه و ایمان فرا می‌خوانند. آنها «دو درخت زیتون و دو چراغدان هستند که در حضور خدای تمام زمین می‌ایستند». در زکریا فصل ۴ این نمادی بود از اینکه توانایی و حکمت روح‌القدس زکریا را قادر به ساختن معبد دوم می‌نماید. اما در مکاشفه فصل ۱۱ این سمبلی است از اینکه بویژه واعظان و معلمین وفادار و پر شده از روح، نور انجیل را در سراسر جهان منتشر می‌کنند. هر گاه جهان شرور می‌کوشد به آنها آسیب رساند، درست همانند ارمیاء، الیاس و موسی، به آنها اقتدار داده می‌شود تا کلام داوری را که منجر به نابودی واقعی مخالفانشان می‌شود، به زبان بیاورند (ارمیاء ۵: ۱۴؛ اول پادشاهان ۱۷: ۱؛ خروج ۷: ۲۰؛ متی ۱۸: ۱۸؛ یوحنا ۲۰: ۲۱-۲۳؛ اعمال ۵: ۱-۱۱؛ ۱۳: ۴-۱۲).

عدد ۱۲۶۰ روز (۱۱: ۳؛ ۱۲: ۶)، نماد است و معرف دوره‌ای است که در طول آن کلیسای واقعی شهادت می‌دهد. این دوره در موازات با دوره ۴۲ ماه‌ای قرار دارد (۱۱: ۲؛ ۱۳: ۵) که در خلال آن کلیسای واقعی محافظت می‌شود. اعداد سه و نیم سال، ۴۲ ماه و ۱۲۶۰ روز، سمبولیک بوده و نشانگر دوره مرارت کلیسا هستند، همچنانکه در عهد عتیق نیز برای قوم خدا چنین دوره‌ای وجود داشت (اول پادشاهان ۱۷: ۱؛ لوقا ۴: ۲۵؛ یعقوب ۵: ۱۷). این دوره به روشنی با آمدن اولیه مسیح و تاسیس کلیسا آغاز شد (۱۲: ۵-۶ و ۱۴) و با نبرد نهایی و بازگشت مسیح پایان می‌یابد (۱۱: ۷-۱۲؛ ۱۳: ۵-۸). در متی ۲۴: ۱۴ عیسی می‌فرماید که زمان آخر هنگامی فرا می‌رسد که انجیل به عنوان شهادتی برای تمام اقوام در کل عالم موعظه شده باشد.

«آن جانور عجیب که از چاه بی‌انتهای بیرون می‌آید»، به دو شاهد حمله خواهد کرد، به آنها غلبه خواهد نمود و آنان را خواهد کشت. به مدت سه و نیم روز بدنهای بی‌جان آنها در خیابان شهر بزرگ، که مجازاً سدوم و مصر خوانده می‌شود، به نمایش گذاشته خواهند شد. معنای این تصویر این است که درست قبل از بازگشت عیسی مسیح، آخرین ضد مسیح از چاه بی‌انتهای، که همان جهنم است، آزاد می‌شود. او تمام جهان بی‌خدا و شرور را برای نابودی کلیسای واقعی، که بنیادی عظیم و جنبشی بشارتی بر روی زمین است، می‌شوراند. با آنکه کماکان مسیحیانی بر روی زمین وجود خواهند داشت، لیکن آنها دیگر بنیادی سازمان‌یافته نبوده و بسیاری از فعالان مسیحی شهید خواهند شد. سپس اورشلیم زمینی که نمادی است از فساد جنسی و جهان جفاکار ضد مسیح (۱۱: ۸؛ ارمیاء ۲۳: ۱۴) شبیه بابل می‌شود که نماد دیگری است از فساد جنسی و جهان جفاکار ضد مسیح (۱۷: ۶-۵).

افراد ضد مسیح، بی‌خدا و شرور جهان، نابودی کلیسای واقعی و خاموش شدن موعظه انجیل را جشن می‌گیرند. اما پایکوبی‌شان ناتمام مانده و تنها سه روز و نیم ادامه می‌یابد، که نمادی است از زمانی بسیار کوتاه (۲۰: ۷-۹؛ متی ۲۴: ۲۱-۲۶).

"دو شاهد در میان ابری به آسمان برده می‌شوند". این سمبلی است از آمدن غیرمنتظره و ناگهانی ثانویه عیسی مسیح (متی ۲۴: ۲۷-۳۱) که در آن هنگام مسیحیان راستین از مردگان قیام می‌کنند و برای ملاقات با مسیح به آسمان بالا برده می‌شوند (۱۱: ۱۱-۱۲؛ ۲۰: ۱۳؛ متی ۲۴: ۴۰-۴۱؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۵-۱۷). همه انسانهای بی‌خدا و بدکاری که در طول قرون مسیحیان واقعی را مورد جفا قرار دادند، نگرسته و خواهند دید که حیات، سرافرازی، قدرت و نفوذ به مسیحیان واقعی بازگردانیده می‌شود. آنها را خواهند دید که در ابری از جلال به آسمان بالا برده می‌شوند تا با مسیح ملاقات کنند. مسیحیان واقعی ربه‌ده می‌شوند، اما این پنهانی نخواهد بود، زیرا بازگشت مسیح کاملاً قابل دیدن و شنیدن است (۱: ۷؛ ۶: ۱۷-۱۵؛ ۱۱: ۱۲؛ متی ۲۴: ۲۷-۳۱؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۶).

داوری نهایی بلافاصله بعد از «زلزله شدید» و ویرانی ناشی از آن واقع خواهد شد (۶: ۱۷-۱۲؛ ۱۶: ۱۷-۲۱). با آنکه بازماندگان روی زمین وحشت‌زده شده و خدا را تجلیل می‌کنند، لیکن این بدان معنا نیست که توبه خواهند نمود (۹: ۲۰-۲۱؛ دانیال ۴: ۳۴ و ۳۷). این پایان «وای دوم» خواهد بود (۱۱: ۱۴).

شبیور هفتم (۱۱: ۱۵-۱۹) (وای سوم) داوری نهایی را معرفی می‌کند. در سراسر دوران بین آمدن نخستین و ثانویه مسیح در همه زمانها این نکته روشن نیست که تمامی اقتدار در آسمان و زمین از آن عیسی مسیح است و اغلب چنین به نظر می‌رسد که شیطان قدرت بیشتری دارد. اما در زمان بازگشت کاملاً روشن خواهد بود که عیسی مسیح شاه‌شاهان و رب‌الارباب است (مزمور ۲: ۸-۱۲؛ ۱۹: ۱۱-۱۶). او با حاکمیت کامل و قابل رویت خدا می‌آید تا از مسیحیان دفاع کند، افراد بی‌خدا و بدکار را داوری نماید (۱۱: ۱۸؛ ۲۰: ۹-۱۵؛ ۲۵: ۳۱-۴۶) و ملکوت خدا را در مرحله نهایی‌اش برقرار سازد (۱۱: ۱۵؛ ۲۱: ۱-۲۲؛ متی ۲۵: ۳۴).

در رویا، معبد خدا در آسمان گشوده می‌شود و همه «صندوق عهد» را بوضوح می‌بینند. «صندوق عهد» نمادی است که معرف رفاقت واقعی، صمیمانه و کامل بین خدا و قومش می‌باشد، رفاقتی که مبنایش کفاره گناهان است (خروج ۲۵: ۲۲). اما برای مردم بی‌خدا و شرور سمبلی است که نشانگر تخت سلطنت و غضب خدا می‌باشد. "رعد و برق و غرش آسمان و تگرگ و زلزله" نماد بوده و معرف آشکار شدن خشم خدا هستند.

### تکلیف برای روز بعد

- اول. مکاشفه ۱۲ را بخوانید. فردا مکاشفه ۱۲ را مطالعه می‌کنیم.
- دوم. کتابهای دست‌نور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم ....
- سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.